

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: ۲۰۲۰S۳D۱۲SH۱۴M ISSN-P: ۲۵۳۸-۳۷۰۱

معیارهای تشخیص و مصادیق سبب اقوی از مباشر در قوانین جزایی و فقه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۵/۲۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۱۲/۱۵)

مریم گنجی

چکیده

در مورد نحوه مسئولیت سبب و مباشر عده ای مسئولیت تضامنی آنها را پذیرفته اند لیکن برخی دیگر از اساتید حقوق مسئولیت مساوی سبب و مباشر را ترجیح داده اند. در مورد نحوه مسئولیت مباشر در فرض مسئول دانستن هر دو نیز باید گفت مسئولیت تضامنی عاملین متعدد در حقوق ایران یک استثناء است و با اتخاذ ملاک از ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی باید قائل به مسئولیت نسبی عاملین متعدد و از جمله سبب و مباشر بود. شرط تحقق مسئولیت کیفری، وجود رابطه سببیت است و این بدان معنی است که رابطه سببیت در کنار شروط دیگر مسئولیت کیفری قرار می گیرد. یعنی اگر رابطه سببیت برقرار نشود، مسئولیت کیفری وجود نخواهد داشت، ولی وجود رابطه سببیت، به تنهایی برای ایجاد مسئولیت کیفری کافی نیست. علت اشتراک رابطه سببیت برای مسئولیت کیفری، این است که جرم بدون وجود رکن مادی محقق نمی شود و رابطه سببیت، یکی از اجزای این رکن است. علت کافی نبودن رابطه سببیت برای تحقق مسئولیت کیفری نیز این است که برای پیدایش جرم، رکن مادی به تنهایی کافی نیست، بلکه ارکان دیگری لازم است که رابطه سببیت نقشی در آنها ندارد. نگرش و دیدگاه کشورها در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی یکسان نیست.

واژگان کلیدی: سبب اقوی از مباشر، مسئولیت کیفری، رابطه سببیت، تسبیب، مباشر

۳۵۵



بخش اول: تحلیل اجمالی اجتماع سبب و مباشر

بند اول: بررسی فقهی موضوع

در منابع فقهی، قاعده اصلی در مورد دخالت سبب و مباشر در ورود خسارت و به عبارت دیگر اجتماع سبب و مباشر این است که مسئولیت با مباشر است. بر این اساس اگر کسی چاهی حفر کند و دیگری شخص ثالثی را در چاه اندازد مباشر یعنی کسی که ثالث را در چاه انداخته مسئول است و در این مورد ادعای اجماع مطرح گردیده و از مسلمات دانسته شده است. در توجیه مسئولیت مباشر گفته شده است: "عقلا و نقلا اسناد فعل به علت نزدیک و نه علت بعیدی که سبب است، معلوم و آشکار است و شکی نیست که مباشر نزدیکتر از سبب است بلکه سبب در واقع از وسایل مباشر، در مباشرت است. مانند قتل با شمشیر و انداختن در جاده و انداختن روی شمشیری که غضبی است و غرق کردن در آبی که غیر آن را قرار داده است." لیکن بر نظریه فوق از سوی فقها ایراد و مناقشه شده است. صاحب ریاض ضمن ایراد بر نظریه گفته است: "اگر اجماع در مسئله وجود نمی داشت می گفتیم هر دو ضامن هستند مانند ترتب و تعاقب ایادی در ید، خسارت دیده می تواند به هر یک از آنان مراجعه کند، زیرا از نظر منطقی بعد از اینکه مقتضی ضمان برای سبب ایجاد شد ضمان از سبب رفع نمی شود و این آن چیزی است که در حدیث نفی ضرر اشاره شد. به عبارت دیگر بموجب قاعده لاضرر و ضمان بر عهده سبب مستقر گردیده است هر چند که دخالتش در ورود خسارت ضعیف تر از مباشر باشد و معتقد است قوت مباشر نمی تواند ضمان را از عهده سبب رفع سازد. ۱. بنابراین دیدگاه، مباشر و سبب هر دو ضامن و مسئول جبران خسارت می باشند و مالک در رجوع به هر یک معیر است. کما اینکه در غضب نیز مالک حق رجوع به هر یک از غاصبین را دارد. این دیدگاه در صورتی قوت بیشتری می یابد که هم سبب و هم مباشر قصد اتلاف داشته و فعل سبب، سبب برای اراده مباشرت تلف است. چنانکه کسی شمشیری را در زمین نصب کند به این منظور که دیگری را بر روی آن اندازد. ولی در پاسخ به این ایراد نیز گفته اند حتی در این فرض نیز مباشر ضامن است. چرا که فعل به او منتسب است اگر چه فعل او از معدات

^۱ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۲، حقوق مدنی-ضمان قهری-مسئولیت مدنی، ص ۴۸۸

تلف است لیکن با اندک تامل تفاوت میان معدات قریب و بعید معلوم می شود. ایراد دیگری که بر ضمان مباشر وارد گردیده این است که اگر در زمان واحدی سبب و مباشر اتفاق داشته باشند، به دلیل عدم ترجیح، در ضمان مشترک هستند و اگر تعاقب در تاثیر داشته باشند ضمان بر عهده مقدم در تاثیر است. به خاطر اینکه ابتدا ضمان او ایجاد شده و سبب سبب است. توضیح اینکه فقهای امامیه در مورد اجتماع اسباب از نظریه سبب مقدم در تاثیر تبعیت نموده اند و در این مورد به قاعده استصحاب استناد نموده اند. به عبارت دیگر اگر کسی چاهی را در معبر عموم حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابری با برخورد به سنگ در چاه افتد ضمان بر عهده گذارنده سنگ است. زیرا ضمان ابتدا با سبب مذکور تحقق یافته پس ضمان او استصحاب می گردد. به عبارت دیگر عمل سنگ گذارنده در اثر گذاری مقدم بر عمل حفر کننده چاه بوده و لذا ضمان بر عهده اوست اگر چه این استدلال مورد ایراد واقع گردیده است. به عبارت دیگر استصحاب ضمان مقدم در تاثیر صحیح نیست چرا که معلوم نیست که با تاثیر سبب اول حتما جنایت حاصل گردد تا آنرا استصحاب کنیم و حکم به ضمان صاحب این سبب کنیم.

بند دوم: در حقوق موضوعه ایران

ماده ۳۳۲ قانون مدنی مقرر می دارد: "هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال شود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفا اتلاف مستند به او باشد. ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می دارد: "در صورت اجتماع سبب و مباشر در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد." قسمت اول ماده ۳۳۲ قانون مدنی و ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی قاعده کلی در مورد اجتماع سبب و مباشر را بیان نموده است. به تعبیر یکی از علمای حقوق ایران "غلبه در اجتماع مسبب و مباشر در ایراد ضرر این است که مباشر اقوی است و معنی اقوی بودن این است که اضرار به او منتسب است نه به سبب." بنابراین اگر کسی دوست خود را بگمارد که مزرعه دیگری را آتش بزند کسی که آتش افروخته و با اراده خود باعث ضرر شده است به عنوان مباشر مسئول است. مسئول دانستن مباشر به عنوان اصل و قاعده در بحث اجتماع سبب و



مباشر به این دلیل است که مباشر علت نزدیک و بی واسطه در ورود خسارت است و تا قبل از دخالت مباشر همه چیز در حالت طبیعی و عادی خود قرار دارد و زیانی وارد نشده است، اما مباشر به عنوان آخرین علت و به عبارت دیگر علت نزدیک، زیان ها را وارد می نماید، پس مسئولیت نیز بر عهده او مستقر می گردد. به علاوه با پذیرش مسئولیت مباشر، اتخاذ تصمیم برای دادرس نیز به سهولت انجام می پذیرد زیرا او به راحتی از میان تمامی اسباب آخرین آنها را به عنوان عامل مسئول بر می گزیند. این استدلال اغلب با واقعیت نیز منطبق است زیرا بطور معمول آخرین سبب تاثیر بیشتری نسبت به سبب مقدم دارد و تا قبل از وقوع آن هیچ حادثه زیان باری رخ نمی دهد و احتباب از وقوع ضرر امکان پذیر می باشد. اگر چه به صراحت ماده ۳۳۲ قانون مدنی که اصل را بر مسئولیت مباشر نهاده است، از لحاظ قضایی حکم موضوع روشن است لیکن به نظر می رسد برای طرح درست موضوع باید این سوال را مطرح نمود که در فرض قوی تر بودن مباشر از سبب، رابطه سببیت میان سبب و ضرر وارده قطع می گردد یا نه؟ درست است که در فرض اجتماع سبب و مباشر، فعل مباشر میان سبب و ایجاد ضرر مانع و فاصله ای بوجود آورده که آن رابطه مستقیم را قطع کرده است اما باید گفت این به معنای قطع رابطه سببیت میان سبب و ضرر وارده نیست به همین دلیل بعضی از علما معتقدند در جایی که رابطه سبب با تلف ضعیف تر است این ضعف نمی تواند مسئولیت او را از بین ببرد، پس بر طبق قاعده بایستی در همه حال مباشر و سبب ضامن باشند و مالک اختیار داشته باشد که به هر کدام می خواهد رجوع کند مانند وضعی که غاصبان متعدد در برابر مالک دارند. درانتقاد به این نظریه می توان گفت که هر گاه شخص مباشر، تلف شود رابطه علیت بین کار او و تلف، ارتباط ضعیفی را که وقوع تلف با سبب دارد قطع می کند چندان که در نظر عرف دیگر نسبتی میان سبب و تلف باقی نمی ماند. مثلا اگر کسی چاهی بکند و دیگری کسی را در چاه اندازد عرف کسی را ضامن می داند که مقتول را در چاه انداخته است. رابطه میان سبب و تلف رابطه ای مجازی و ضعیف است و تنها در جایی ضامن آور است که فعل اختیاری میان سبب و تلف واسطه نشود. در فرض ما رابطه مباشر و تلف قوی تر از سبب و تلف است و به همین جهت تنها مباشر مسئول است. بنابر این اگر چه رابطه سببیت میان سبب و تلف قطع نگردیده است اما

چون عرفاً اتلاف مستند به فعل مباشر است لذا مسئولیت با مباشر است. به عبارت دیگر دخالت سبب در ورود خسارت به نحوی نیست که در محاسبه مسئولیت بتوان نقشی برای آن قائل شد. در مورد مثال یاد شده نیز از لحاظ فلسفی حافر چاه علت تلف محسوب می‌گردد و اگر عمل کردن چاه نبود تلف رخ نمی‌داد. اما حافر چاه در این مثال سبب حقوقی تلف محسوب نمی‌گردد چرا که در حقوق ملازمه سبب و ضرر عرفی است. ممکن است یک جنایت، تنها به وسیله یک مباشر ارتکاب شود یا با یک سبب تحقق پذیرد و یا به وسیله چند نفر انجام گیرد. به طور کلی با وقوع جنایت، پنج حالت ممکن است پیش آید.

۱) جنایتی که تنها با «یک مباشر» به وجود می‌آید؛ مانند قتل و صدمات بدنی عمدی که کیفر مرتکب، خارج از مواد استثنایی قصاص است.

۲) جنایتی که تنها با «یک سبب» به وجود آید؛ مانند آنکه کسی چاهی (سبب) بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند ۱ (ماده ۳۱۸ ق.ا.م.).

۳) جنایتی که با سبب و مباشر محقق گردد: در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است؛ مگر اینکه سبب، اقوی از مباشر باشد ۲ (ماده ۳۶۳ ق.ا.م.). با احراز رابطه علیت میان خطای جزایی شخص و صدمه واردشده، می‌توان گفت در صورتی که خطای جزایی شخص در پیدایش صدمه، شرط لازم و کافی برای وقوع نتیجه مجرمانه باشد، مسئولیت کیفری با شخص مسبب است، نه مباشر. سبب در موارد زیر اقوی از مباشر است:

۱-۳) وقتی مباشر «عامل انسانی» است؛ مثل کسی که در ملک خود آتش روشن کند، به نحوی که آتش عادتاً سرایت کند (مواد ۲۵۲، ۲۵۴ و ۲۵۵ ق.ا.م.).



^۱ ماده ۳۱۸: تسبیب در جنایت آن است که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی‌شد مانند آن که چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

^۲ ماده ۳۶۳: در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر این که سبب اقوی از مباشر باشد.

۳-۲) وقتی مباشر جرم «حیوان» باشد؛ مثل خارج کردن مال از حرز توسط حیوان ۱ (تبصره ۲ ماده ۱۹۸) و حمله حیوان، در صورتی که صاحب آن، خطر حمله و آسیب رساندن آن را بداند (ماده ۲۵۷ ق.م.ا.).

۳-۳) وقتی مباشر از «افراد فاقد مسئولیت» از قبیل صغیر غیر ممیز و مجانین باشد (تبصره ۲ ماده ۱۹۸ ناظر به خارج کردن مال توسط صغیر از حرز یا تبصره ماده ۲۱۱ ق.م.ا. در مورد اکراه در قتل)

۳-۴) وقتی جرح منتهی به آخرین رمق حیات در مجروح توسط جانی و پایان دادن به حیات وی توسط دیگری باشد، جانی سبب، اقوی از مباشر و مستوجب قصاص است و دومی دیه جنایت بر مرده را می‌پردازد.

۴) جنایتی که با چند مباشر ارتکاب شود؛ مثل شرکت در قتل عمد (موضوع مواد ۲۱۲ تا ۲۱۵ ق.م.ا.).

۵) جنایتی که با چند سبب تحقق می‌پذیرد.

بخش دوم: سبب اقوی از مباشر معیارهای تشخیص و مصادیق آن

بند اول: مباشر اقوا از سبب

در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد (ماده ۲۴ قانون ... دیات سابق و ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی لاحق). بعلاوه ماده ۶۹ قانون ... دیات نیز مقرر می‌داشت: «هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی یکی به نحو سبب و دیگری به نحو مباشر دخالت داشته باشد، در صورتی که تأثیر هر دو برابر هم باشند یا تأثیر مباشر بیشتر باشد فقط مباشر ضامن است». به طور مثال: هرگاه کسی آتشی را روشن کند و دیگری مال شخصی را در آن بیاندازد و بسوزاند تنها مباشر عهده‌دار تلف یا خسارت خواهد بود و روشن کننده آتش سبب ضامن نیست. (ماده ۶۰ قانون ... دیات سابق و ماده ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی لاحق)، همچنین هرگاه کسی جراحی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل یا مباشر در قتل همان دومی است اگرچه جراحات سابق به

^۱ ماده ۱۹۸-تبصره ۲: بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه یا طفل غیر ممیز و حیوانات و امثال آن در حکم مباشرت است.

تنهایی موجب مرگ می‌گردید؛ اولی (مباشر در جرح و سبب در قتل) فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه‌ی جراحی است که وارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحی خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به دیه می‌باشد (ماده‌ی ۱۱ قانون حدود و قصاص سابق و ماده‌ی ۲۱۶ قانون مجازات اسلامی لاحق): با وجود این، هرگاه جراحی که نفر اول وارد کرده مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری کاری انجام دهد که به حیات او پایان بخشد اولی قصاص می‌شود و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را می‌پردازد (ماده ۱۲ قانون حدود و قصاص سابق و ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی لاحق). استثنائاً در این حالت اخیر، سبب اقوی از مباشر است.

بند دوم: اقوی بودن سبب از مباشر

الف) از نظر فقهای امامیه

در فرضی که سبب قوی تر از مباشر باشد و نقش آن در ورود خسارت بیشتر باشد مسئولیت با سبب اقوی است و فقها در این مورد اتفاق دارند. بر این اساس اگر مباشر به حال سبب جاهل باشد سبب ضامن است مانند اینکه کسی چاهی را در غیر ملک خود حفر کرده و شخص ثالث فردی را داخل چاه اندازد ولی اطلاعی از احداث چاه نداشته باشد در اینجا ضامن بر حفر کننده است و اگر در ملک خود چاهی حفر کند و آن را بپوشاند و دیگری را داخل ملک خود بخواهد در اینجا اقرب ضامن حاضر است زیرا اثر مباشرت به لحاظ غرور ساقط می‌شود. به هر حال تعداد زیادی از اصحاب در مورد قاعده تقدیم مباشر، فرضی را که مباشر ضعیف تر است مستثنی کرده اند. در لمعه به استثناء غرور و اکراه اکتفا شده و در قواعد به اکراه اکتفا شد. در مورد اکراه، مکروه ضامن تلف مال نمی‌باشد اگر چه مباشر تلف باشد. در این مورد ضامن بر عهده کسی قرار می‌گیرد که اکراه کرده است برای اینکه مباشرت با اکراه ضعیف شده پس صاحب سبب در اینجا قوی تر است. ظاهر قول اصحاب در این مقام عدم رجوع مالک به مکروه است بر خلاف جاهل مغرور که برای مالک حق رجوع به مغرور است اگر چه او به غار مراجعه می‌کند. به هر حال مراد از قول اصحاب این است که ضامن بر عهده



مباشر مگر با قوت سبب پس در فرض قوی بودن سبب، ذمه سبب به ضمان مشغول می شود و مباشر شریک در ضمان نمی باشد مگر در غرور. لیکن صاحب جوهر در این مورد فرموده است: "اگر اجماعی وجود نداشته باشد خالی از نظر نیست که مکره را مسئول بدانیم خصوصا با بازگشت نفع به مباشر به اعتبار اینکه مباشر تلف است و اگر چه به مکره رجوع می کند بلکه گفته می شود همانا قاعده، اقتضای اختصاص ضمان به ماشری که مکروه و مغرور است را دارد اگرچه اکراه کننده و غار مباشر را به اتلاف اجبار کرده اند و لیکن آنها به استناد دلیل ضامن هستند و نه به خاطر قوت سبب بر مباشر مخصوصا وقتی که اسناد حقیقتا به سبب است نه به ماشری که مانند باد و خورشید است."

ب) بررسی دیدگاههای سایر فقها

تمام این حالت ها در دفاع مشروع هم متصور است به نحوی که فرد مهاجم و دفاع کننده هر کدام می توانند مباشر یا سبب باشند. و از آنجا که فقها مباحثی را برای تشخیص بهتر قاضی مطرح کرده اند لذا به بررسی این بحث از نظر فقها می پردازیم. جمعی از فقها معتقدند در صورتی که شخص مورد هجوم برای نجات خود پا به فرار بگذارد و در اثر آن به صدمه ای دچار گردد، مهاجم (سبب) ضامن نیست و از این جهت مسئولیت متوجه او نمی گردد. زیرا مباشر با اختیار و آگاهی از خطر فرار، اقدام به آن کرده است. به عنوان مثال، از بالای ساختمان پریده است و نقش مهاجم به اندازه ای نیست که حادثه به او نسبت داده شود و به عبارت دیگر، سبب اقوی از مباشر نمی باشد. شیخ طوسی در این باره می فرماید: "اگر کسی در تعقیب شخصی شمشیرش را از غلاف بیرون بکشد و آن شخص از دست مهاجم فرار کند و خودش را از بالای بام یا کوه به پایین پرت کند یا خودش را در چاه و یا در آتش بیفکند و کشته شود، ضمانی بر عهده تعقیب کننده نیست، زیرا تعقیب کننده فقط او را ناچار به فرار کرده است، لذا تعقیب کننده سبب است و کسی که خودش را پرت کرده، مباشر و در صورت اجتماع مباشر و سبب غیر ملجی، ضمانی بر عهده ایجاد کننده سبب نیست."¹

¹ محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۶۳، قواعد فقه، بخش مدنی، نشر علوم اسلامی، ص ۲۶۷.

بنابراین، در صورت نقش داشتن مهاجم و شخص مورد هجوم در ایجاد صدمه، مسئولیتی از این جهت متوجه مهاجم نمی شود مگر جایی که نقش مهاجم موثرتر بوده باشد که فقها مصادیق ذیل را برای آن بر شمرده اند:

- ۱- شخص مورد هجوم نابینا باشد و در حال فرار از دست مهاجم در اثر عدم بینایی دچار آسیب گردد، مثلاً در حال فرار با دیواری برخورد کند و صدمه ببیند.
- ۲- شخص مورد تعقیب نسبت به خطری که در سر راه فرارش وجود دارد ناآگاه باشد و هنگام فرار مصدوم شود، مثلاً در حال فرار ناگهان متوجه گردد که در لبه پرتگاه قرار دارد و سقوط کند.
- ۳- هنگام فرار شخص مورد هجوم، سقفی و مانند آن روی سرش فرو بریزد و مصدوم گردد.
- ۴- فرد مورد تعقیب برای نجات خویش از روی ناچاری به مکان حیوان درنده یا گزنده ای وارد شود و صدمه ببیند.

در موارد مذکور، نقش مباشر به جهت عدم بینایی یا عدم آگاهی و یا اضطرار، ضعیف تر از نقش سبب (مهاجم) می باشد، لذا به دلیل اقوی بودن سبب، مهاجم مسئول است.

علامه حلی (رحمه الله) پس از بیان نظر شیخ طوسی درباره عدم مسئولیت مهاجم نسبت به صدمات وارده به شخص مورد هجوم در حین فرار، در صورت بینا بودن، آگاه بودن و مختار بودن او، می فرماید: "اگر شخص مورد تعقیب نابینا باشد، تعقیب کننده ضامن دیه اوست زیرا او سبب ملجی می باشد و همین طور اگر شخص مورد تعقیب بینا باشد و فرار کند و در چاهی که رویش پوشیده است سقوط کند یا ناچار شود به مکان ضیقی پناه برد و درنده ای او را بدرد" محقق حلی نیز می فرماید: "چنان چه شخصی مورد تعقیب نابینا باشد و هنگام فرار صدمه ببیند، مهاجم ضامن است، زیرا او سبب ملجی است. همین طور، اگر شخص اطلاعی از خطر نداشته باشد یا هنگام فرار، سقف فرو ریزد یا از روی ناچاری به مکانی ضیق پناه برد و درنده ای او را بدرد."^۱ بنابراین، در مواردی نیز که اراده شخص در اثر هجوم مختل و توان

^۱ علامه حلی، تحریر الاحکام، جلد دوم، موسسه آل البیت، ص ۲۶۵

تصمیم گیری از او سلب گردد و بی اختیار خودش را به خطر بیاندازد و آسیب ببیند مثلاً از ارتفاعی پرت شود یا در چاهی سقوط کند مهاجم مسئول می باشد، زیرا در این فرض، نقش سبب (مهاجم) موثرتر از نقش مباشر است.

ج) در حقوق ایران

با احراز لزوم رابطه علیت میان خطای جزائی شخصی و صدمه وارده می توان گفت در صورتی که خطای جزائی شخصی در پیدایش صدمه وارده شرط لازم و کافی برای وقوع نتیجه مجرمانه باشد مسئولیت کیفری با شخص مسبب است که نه مباشر. برابر ماده ۷۰ قانون ... دیات سابق «هرگاه در صورت دخالت سبب و مباشر در ارتکاب جنایت تأثیر بیشتر از تأثیر مباشر باشد فقط سبب وقوع جنایت ضامن خواهد بود». بدهی است در این فرض مباشر اغلب فاقد شرایط عامه و تکلیف (یعنی عقل، بلوغ، اختیار و علم به حرمت است) و علی الاصول موجودی غیرمسئول و در واقع نوعی وسیله ارتکاب جرم تلقی می شود و ممکن است انسانی چون طفل غیرممیز و یا فرد مجنونی بوده و یا جاندار غیرانسانی چون سگ یا موجودی جامد چون آب و آتش باشد. به هر حال مثال های زیر حاکی از ضمان سبب در ارتباط با قاوی بودن سبب از مباشر می باشد. در ذیل به بررسی موارد سبب اقوا از مباشر در قانون مجازات اسلامی می پردازیم:

۱- برابر تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی: «اگر اکراه شوند (در قتل) طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است». بنابراین در صورتی که مباشر جرم انسان فاقد مسئولیت کیفری چون صغیر غیرممیز و یا مجنون بوده و وادار به ارتکاب قتلی شده باشد قانونگذار تنها اکراه کننده را که سبب جنایت است جزائاً مسئول و مجرم می شناسد. زیرا در اینجا سبب اقوی از مباشر است، معذکرت ارتکاب سرقت و بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه و یا طفل غیرممیز و حیوانات و امثال آن قانوناً در حکم مباشرت تلقی شده است (تبصره ۲ ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰).^۱

^۱ تبصره ۲ ماده ۱۹۸: «بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه یا طفل غیرممیز و حیوانات و امثال آن در حکم مباشرت است».

۲- کسی که با اذن وارد خانه‌ی کسی بشود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحب خانه (سبب) ضامن می‌باشد خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده و یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحب خانه بداند که آن حیوان او را آسیب می‌رساند و خواه نداند (ماده‌ی ۳۶۰ قانون مجازات اسلامی).

۳- هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند و به نحوی که آتش عادتاً به محل دیگر سرایت می‌نماید یا بداند که بجای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده‌دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز خودش روشن کرده باشد. البته در مواردی که روشن کننده آتش عهده‌دار تلف و آسیب اشخاص می‌باشد باید راهی برای فرار و نجات آسیب‌دیدگان نباشد و گرنه روشن کننده آتش عهده‌دار نخواهد بود (مواد ۵۷، ۵۸ و ۵۹ و تبصره مربوط از قانون ... دیات سابق و مواد ۳۵۳، ۳۵۴ و ۳۵۵ و تبصره مربوط از قانون لاحق).

۴- برابر ماده‌ی ۶۱ قانون ... دیات سابق و ۳۵۷ قانون مجازات اسلامی لاحق صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آن را می‌داند باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر اهمال و سهل‌انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده‌دار می‌باشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آنکه آگاه باشد ولی توانایی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری او کوتاهی نکند عهده‌دار خسارتش نیست. در این قبیل موارد اهمال و سهل‌انگاری شخص سبب است از برای اتلاف یا ورود خسارت.

۵- در صورتی که جرح و قتل غیر عمدی عابری در هنگام تعلیم رانندگی واقع شود، چنانچه تعلیم گیرنده حین تعلیم گرفتن رانندگی، تعلیمات و دستورات معلم را عیناً اجرا کند و به کار بردن آن تعلیمات منتهی به تصادم و جرح و یا قتل شود تعلیم گیرنده مسئولیت جزائی ندارد و با توجه به اقوی بودن سبب از مباشر تنها معلم که کنترل تعلیم گیرنده را در حین رانندگی در اختیار داشته ضامن است. برعکس چنانچه تعلیم گیرنده در حین رانندگی، دستورات و تعلیم معلم را به کار نیندد و رعایت نکند و تخلف او به کیفیتی باشد که رفع اثر از تخلف هم ممکن

نباشد و رانندگی در چنین وضعی منتهی به جرح یا قتل شود، تعلیم گیرنده‌ی مختلف مباشر تلقی و با توجه به اقوی بودن مباشر از سبب تنها تعلیم گیرنده‌ی ضامن است.

بند سوم: مواردی که اختلال یا تزلزلی در رکن مباشر حاصل شود

الف) جهل مباشر

در صورتی که مباشر جاهل به حکم یا موضوع باشد، مسئولیتی ندارد و سبب اقوی از اوست، مثل اینکه کسی بدون اجازه در ملک دیگری چاهی حفر کند و روی آن را بپوشاند، و صاحبخانه بی اطلاع از وجود چاه فردی را روی آن بیندازد و او در چاه بیفتد و فوت کند. در این مثال حفر کننده ضامن است و صاحبخانه به دلیل جهل مسئولیتی ندارد.

ب) مباشر مغرور باشد.

اگر سبب مباشر را فریفته باشد و مباشر مرتکب عمل مجرمانه گردیده، سبب غار مسئول می باشد.

مغرور و جاهل هر دو در جهل و بی اطلاعی از سبب مشترکند، ولی تفاوت آنها در منشأ جهل است، در جاهل منشأ جهل خود اوست ولی در مغرور منشأ جهل ناشی از عمل غار یا فریبکار است.

ج) اکراه مباشر

اکراه در اصطلاح حقوقی عملی است تهدید آمیز از طرف کسی نسبت به دیگری به منظور تحقق بخشیدن عمل مورد نظر اکراه کننده. به طور کلی اکراه از علل رافع مسئولیت کیفری است و شخص اکراه شونده مسئولیتی ندارد، بنابر این اگر مسببی مباشر را اکراه به عملی کند، موجب تغییر رابطه سببیت می گردد و علیرغم وجود مباشر سبب ضامن است، مگر در مورد اکراه در قتل که به استناد ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، مجوز قتل نمی باشد و مباشر مسئول قتل است. مگر در صورتی که مباشر طفل یا مجنون باشد، که در این حالت سبب اقوی از مباشر می گردد و اکراه کننده مسؤول می باشد. (تبصره ۱ و ۲ ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی)

د) اضطرار مباشر

اضطرار در اصطلاح حقوقی حالتی است که در آن تهدید وجود ندارد، ولی اوضاع و احوال برای انجام یک عمل طوری است که، انسان با وجود عدم رضایت و تمایل به انجام کاری، آن را علیرغم میل باطنی خود از روی قصد و رضای خاص انجام می‌دهد. اضطرار بر خلاف اجبار موجب زوال اراده مضطر نمی‌گردد و از سوی دیگر بر خلاف اکراه همراه با تهدید نمی‌باشد. اضطرار یا حالت ضرورت از علل موجه جرم است و عمل شخص مضطر جرم نمی‌باشد و مسئولیت کیفری ندارد، بنابراین سببی که حالت اضطرار را بوجود آورده و مباشر را مجبور به انجام جرم کرده است مسئول و اقوی از مباشر می‌باشد. قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۵ به حالت اضطرار اشاره دارد و مضطر را مسئول نمیداند.

ه) مباشر صغیر یا مجنون باشد.

شخص صغیر در همه نظامهای حقوقی مبری از مسئولیت کیفری نسبی است. در فقه اسلامی براساس روایات موسوم به رفع قلم، مجنون و صغیر مسئولیتی ندارد.

قانونگذار در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی عدم مسئولیت کیفری صغار را قبول کرده، لیکن در صورت ممیز بودن، امکان اعمال مجازات تعزیری در مورد وی وجود دارد و در بعضی از موارد هم (همانند مواد ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی) قانونگذار فی الجمله او را مسئول دانسته، با وجود این هر زمان که مباشر صغیر باشد و سبب غیر ممیز، سبب اقوی شمرده و ضامن می‌باشد.

در مورد جنون باید گفت که که جنون از عوامل رافع مسئولیت کیفری می‌باشد و مباشر مجنون مسئولیتی ندارد و سبب ضامن می‌باشد ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی به این مسأله اشاره دارد.

و: قانونی بودن اقدام مباشر.

بعضی از حقوق دانان در موردی که اقدام مباشر قانونی و در راستای انجام وظیفه قانونی است، او را معاف از مسئولیت می‌دانند و سبب را اقوی از مباشر می‌شمارند، مانند اینکه فرد گروگان گیری شده توسط مأموران پلیس در اثر تیر اندازی کشته شود، گروگان گیر را به عنوان سبب مسئول می‌شناسند. در پایان لازم به ذکر است، در مورد اقوی بودن سبب از مباشر،

از مجموع مباحث فقهاء در این مورد، و از اشاره به عرف در ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی، به نظر می‌رسد که اقوی بودن را باید با مراجعه به عرف مشخص کرد، و در موردی که از نظر عرف اقدام مباشر کاملاً نا متعارف و نا معمول باشد (مثل اینکه دختری برای فرار از متلک گوئی شخص مزاحم خود را زیر چرخهای خودروئی بیندازد) نمی‌توان سبب را اقوی از مباشر دانست چون در چنین حالتی سبب عرفاً اقوی از مباشر محسوب نمی‌شود.

بخش سوم: تساوی سبب و مباشر و تعدد اسباب

بند اول: تساوی نقش سبب و مباشر

الف) در فقه اسلامی

قاعده در مورد اجتماع سبب و مباشر، تقدیم مباشر بر سبب است و تنها فرضی که از این قاعده مستثنی گردیده، قوی تر بودن سبب از مباشر است. بنا به قول فقها در فرض اجتماع سبب و مباشر هنگامی که مباشر قوی تر است و یا هر دو مساوی هستند مباشر ضامن است. ظاهراً این نظر بر اجماع فقها متکی گردیده است. این در حالی است که اگر دو یا چند نفر به عنوان سبب در قرار دادن سنگ در کنار چاهی اشتراک داشته باشند و عابری در داخل چاه افتد به اعتقاد فقها ضامن بر عهده هر دو نهاده شده و ظاهر در تساوی آنها است. اگر چه کاری که انجام داده اند مختلف باشد. به عبارت دیگر در مورد نقش اسباب متعدد حکم مسئولیت هر دو پذیرفته شده است. لیکن در فرض نقش برابر سبب و مباشر مسئولیت به عهده مباشر نهاده شده است از عبارت یکی از اساتید فقه این نظر استنباط می‌شود که چنانچه عمل به هر دو نسبت داده شود هر دو مسئول هستند بر اساس این نظر: «باید دانست که معیار انتساب عمل است و بایستی فاعل مرعوب و تحت تاثیر شدید اراده سبب باشد عرفاً عمل به سبب منتسب است. بنظر می‌رسد باید قائل به تفصیل شد و باید دید که از نظر ثقل و موازنه کدامیک از سبب یا مباشر در انتساب عمل بر دیگری برتری دارد».^۱ برخی از فقها نیز در صورت برابر بودن درجه تاثیر سبب و مباشر، شرکت آن دو در ضمان را ترجیح داده اند و برخی دیگر نیز حکم موضوع را به داوری عرف واگذار کرده اند.

^۱ محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۶۳، قواعد فقه، بخش مدنی، نشر علوم اسلامی، ص ۱۲۵.

ب) در قانون ایران

ماده ۳۳۲ قانون مدنی مقرر می دارد: « هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال شود مباشر مسئول است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد » از ظاهر ماده مذکور اینگونه بر می آید که بنا به قاعده مندرج در قسمت اول ماده، اصل بر مسئولیت مباشر است و تنها فرضی که از این قاعده مستثنی گردید، بنا به قسمت اخیر ماده فرض قوی تر بودن سبب از مباشر است. بنابراین در فرض تساوی نقش سبب و مباشر نیز باید به اصل و قاعده که مسئولیت مباشر است مراجع کنیم. ماده ۶۹ قانون دیات نیز مقرر می داشت: « هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی یکی به نحو سبب و دیگری به نحو مباشر دخالت داشته باشد در صورتیکه تآثر هر دو برابر هم باشد یا تآثیر مباشر بیشتر باشد فقط مباشر ضامن است » لیکن با اصلاح مقررات جزایی ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی که جایگزین ماده ۶۹ گردیده مقرر می دارد: « در صورت اجتماع سبب و مباشر در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد. » برخی از علمای حقوق ایران نیز در تحلیل موضوع اظهار داشته اند: « غلبه در اجتماع سبب و مباشر در ایراد ضرر این است که مباشر اقوی است و معنی اقوی بودن این است که اضرار به او منتسب است نه به سبب. هر حکم قانونی که متکی بر غلبه باشد اماره است و اصل در امارات قانونی هم نسبی بودن است. پس مدلول ماده ۳۳۲ قانون مدنی مانع از این نمی شود که اگر انتساب به هر دو عرفاً صحیح باشد هر دو متضامناً در برابر متضرر از اتلاف مسؤل باشند. به عنوان مثال کسی در جوار خانه خود در معبر خاص یا عام بطور غیر مجاز چاه فاضلاب می کند و موقع غروب که دست از کار می کشد در پوشی روی چاه می گذارد و برای ادامه کار در روز بعد دو نفر از آنجا می گذرند و برای مشاهده داخل چاه در پوش را بر می دارند و سپس یکی به شوخی دیگری را به سوی چاه می لغزانند و او به درون چاه سقوط کرده و جامه او دریده شده و مجروح می گردد. در این مورد عرفاً اضرار به حافر چاه غیر مجاز و آن کسی که دیگری را لغزانیده است منتسب است. » به اعتقاد برخی دیگر از حقوقدانان نیز منطق حقوقی ایجاب می نماید که در این فرض به ویژه در جایی که هر دو قصد اتلاف دارند و اجرای آن را تقسیم کرده اند هر دو مسؤل شمرده شوند زیرا مجموع



سبب و مباشرت خسارت را به بار آورده است. اما در مورد نحوه مسئولیت سبب و مباشرت، عده ای مسئولیت تضامنی آنها را پذیرفته اند لیکن برخی دیگر از اساتید حقوق، مسئولیت مساوی سبب و مباشرت را ترجیح داده اند.^۱ به نظر می رسد که استناد به ظاهر ماده ۳۳۲ قانون مدنی برای مسئول دانستن مباشر در فرض تساوی نقش سبب و مباشر منطقی نباشد چرا که از قسمت اخیر ماده ۳۳۲ که مقرر می دارد: «مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که اتلاف هستند به فعل او باشد.» اینگونه استنباط می گردد که معیار مسئولیت، انتساب و مستند بودن اتلاف به فعل فرد است و در فرض مورد بحث نیز اتلاف منسب به فعل سبب و مباشر توامان است. در مورد نحوه مسئولیت مباشر در فرض مسئول دانستن هر دو نیز باید گفت مسئولیت تضامنی عاملین متعدد در حقوق ایران یک استثناء است و با اتخاذ ملاک از ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی باید قائل به مسئولیت نسبی عاملین متعدد و از جمله سبب و مباشر بود. در حقوق لبنان نیز بنا به نظر برخی از حقوقدانان اگر سبب و مباشر در تاثیر تعادل داشته و برابر باشند هر دو در مسئولیت شریک هستند.^۲

بند دوم: تعدد اسباب

الف) تعدد اسباب در حقوق کیفری ایران

شرط تحقق مسئولیت کیفری، وجود رابطه سببیت است و این بدان معنی است که رابطه سببیت در کنار شروط دیگر مسئولیت کیفری قرار می گیرد. یعنی اگر رابطه سببیت برقرار نشود، مسئولیت کیفری وجود نخواهد داشت، ولی وجود رابطه سببیت، به تنهایی برای ایجاد مسئولیت کیفری کافی نیست. علت اشتراط رابطه سببیت برای مسئولیت کیفری، این است که جرم بدون وجود رکن مادی محقق نمی شود و رابطه سببیت، یکی از اجزای این رکن است. علت کافی نبودن رابطه سببیت برای تحقق مسئولیت کیفری نیز این است که برای پیدایش جرم، رکن مادی به تنهایی کافی نیست، بلکه ارکان دیگری لازم است که رابطه سببیت نقشی

^۱ همان، ص ۹۰

^۲ میرسعیدی، سید منصور، مسئولیت کیفری قلمرو و ارکان، ص ۹۱

در آنها ندارد.^۱ البته بعضی نقش رابطه سببیت را در مسؤولیت کیفری در این حد نپذیرفته‌اند، عناصر مسؤولیت کیفری را به نامشروع بودن فعل و خطا محدود ساخته‌اند و از نقش رابطه سببیت، تا اندازه یک مسأله مقدماتی کاسته‌اند. این عده مثالی برای تأیید نظر خود بدین شرح آورده‌اند: اگر نتیجه‌ای مانند مرگ انسانی از راه سببیت حادث شود، به دنبال این می‌گردیم که آیا این فعل می‌تواند سبب نتیجه باشد. اگر این امر ثابت شد، به تعیین عناصر دیگر مسؤولیت کیفری می‌پردازیم که در فعل و مرتکب وجود دارد.^۲ ولی واقعیت این است که رابطه سببیت، ریشه در رکن مادی جرم دارد و تحت شمول قواعد فراگیری قرار می‌گیرد که رکن مادی تحت آنها قرار داد و این قواعد، ریشه در طبیعت مادی این رکن دارد؛^۳ زیرا رابطه سببیت فعل و نتیجه جرم را به هم پیوند می‌دهد که این دو، بی‌شک مربوط به رکن مادی جرم‌اند.^۴ صرفنظر از مناقشاتی که بین علمای حقوق کیفری در مورد سبب وجود دارد، در مکاتب حقوقی و فلسفی غرب، بعضاً نظریه‌هایی ارائه شده است. بعضی از مؤلفان فرانسوی، به سه نظر، نظریه سبب قریب یا متصل به واقعه، نظریه سبب مناسب به نتیجه و نظریه برابری اسباب اکتفاء کرده‌اند. فرض کنید راننده‌ای بر اثر بی احتیاطی با عابری تصادم می‌کند و موجب جراحت وی می‌شود. مجروح به بیمارستان منتقل و بر اثر تزریق خون آلوده به ویروس ایدز فوت می‌شود. دو سبب «بی احتیاطی راننده» و «تزریق خون آلوده به ویروس ایدز» از موجبات مرگ عابرند که اگر قائل به نظریه سبب قریب یا متصل به واقعه باشیم، راننده غیر محتاط فقط مسؤول ایراد جرح عمدی است و تزریق خون آلوده، به عنوان سبب قریب و متصل، به واقعه مسؤول قتل غیر عمدی اوست. طبق نظریه شرایط برابر یا برابری اسباب، هر یک از عوامل ایجاد واقعه به طور مساوی می‌توانند مسؤول وقوع حادثه تلقی شوند، در این فرض راننده، مسؤول قتل غیر عمدی محسوب می‌شود. وفق نظریه سبب مناسب با نتیجه، باید بررسی کرد که کدامیک از اسباب به



^۱ نجیب حسنی، محمود، رابطه سببیت در حقوق کیفری، مترجم: سیدعلی عباس بنای زارع، ص ۸۳

^۲ همان، ص ۸۶

^۳ عبدالغریب، محمد، شرح قانون العقوبات - القسم العالم، الجزء الاول، ص ۵۶۹

^۴ القهوجی، علی عبدالقادر، قانون العقوبات - القسم الخاص، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۱ میلادی

طور طبیعی و به نحو ویژه‌ای می‌توانسته خسارت به بارآورد در این مثال قتل غیر عمدی به صورت محتمل از ایراد جرح ناشی شده است. به هر حال تشخیص رابطه سببیت در موردی که سبب موجب خسارت شده باشد، کار چندان مشکلی نیست و دشواری کار زمانی است که اسباب متعددی موجب ورود خسارت شده باشند. نکته‌ای که در اینجا باید یادآور شد این است که در نظام کیفری غربی، اعم از نظام رومی ژرمنی و کامن‌لا، رابطه سببیت در همه جرایم اعم از عمدی و غیر عمدی، شرط تحقق مسئولیت کیفری است. صرف نظر از اختلاف نظرهایی که مکتب حقوق کیفری آلمان با سایر مکاتب کیفری دارد که بررسی آنها از حوصله این مقاله خارج است. لیکن در نظام کیفری ایران، سبب با اقتباس از فقه جعفری، باب جداگانه‌ای را به خود اختصاص داده و قانون مجازات اسلامی در باب پنجم تحت عنوان موجبات ضمان، مبحث تسبیب را در عوض مباشرت در جنایت مطرح کرده مواد ۳۱۶ تا ۳۳۳ به مسئولیت پزشک و دامپزشک (بیطار)، نائم و غیره اختصاص یافته و سپس در باب هفتم در مواد ۳۶۳ تا ۳۶۶ به موضوع اجتماع سبب و مباشر و تعدد اسباب پرداخته است. از مجموع مواد مذکور به ویژه مواد ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی بر می‌آید که مقنن ایران دو نظریه برابری اسباب و سبب قریب یا متصل به واقعه را تحت شرایطی که در مواد ۳۶۴ و ۳۶۵ ممکن است، پذیرفته است. ماده ۳۶۵ در صورت اجتماع سبب و مباشر در جنایت، مباشر را ضامن دانسته، مگر اینکه سبب، اقوی از مباشر باشد. اقوی بودن سبب باید به طرق مختلف از جمله عرف حاکم بر محیط کار، یا تأثیر بیشتر در پیدایش نتیجه مجرمانه، مورد ارزیابی قرار گیرد. ماده ۳۶۴ به تعدد اسباب اختصاص یافته و مقرر کرده است: هرگاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب دیگری باشد، ضامن خواهد بود. این ماده، مثال معروف در کتب فقهی را ذکر کرده که یکی از دو نفر چاهی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابر بر اثر برخورد با سنگ به چاه افتد. کسی که سنگ را گذارده، ضامن است و چیزی به عهده حفر کننده نیست. در ذیل ماده اضافه کرده است: «اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگری غیر عدوانی باشد، فقط شخص متعددی ضامن خواهد بود». صدر ماده، سبب قریب در تأثیر را مسئول کیفری خسارت یا جنایت

به شمار آورده است. در واقع در این نظریه، سبب دیگر، در حد یک شرط تلقی شده است. این نظریه، مفهوم منطقی و فلسفی سبب را پذیرفته است. در حقوق غربی نیز، سبب را مجموعه عواملی می‌دانند که در ایجاد نتیجه سهم دارد و می‌گویند یکی از این عوامل باید مفهوم قانونی سبب شمرده شود و دیگر عوامل، شروطی برای آن باشند و در نتیجه رابطه سببیت بین سبب و نتیجه برقرار می‌شود، نه میان شرط و نتیجه. این نظریه، برابری اسباب را نمی‌پذیرد، بلکه یکی را سبب و دیگری را شرط به شمار می‌آورد.^۱ این ماده از فتوای امام خمینی (ره) اخذ شده است که می‌فرماید: «لو اجتمع السببان فالظاهر ان الضمان علی السابق تأثیراً و ان كان حدوثه متأخراً كما لو حفر بئراً فی الشارع و جعل آخر حجراً علی جنبها فقسط العائر بالحجر فی البئر و الضمان علی الواضع»^۲. ملاحظه می‌شود متن ماده ۳۶۴ عیناً ترجمه این فراز از فتوای معظم‌له است.

(ب) بررسی فقهی مسئولیت اسباب

تسبیب، اصطلاحی در فقه و حقوق. تسبیب در لغت به معنای ریسمان و آنچه موجب پیوستگی چیزی به چیز دیگر می‌شود، آمده است. اصطلاح تسبیب در منابع فقهی و حقوقی در برابر مباشرت (به معنای انجام دادن بی واسطه یک کار) به کار می‌رود که هر دو از اقسام اتلاف و از اسباب مهم ضمان اند، البته در مواردی نیز در برابر اتلاف به کار رفته که مراد از آن اتلاف به معنای عام نیست بلکه اتلاف با مباشرت است.^۳ بر خلاف مباشرت که در آن علت تلف مستقیماً ایجاد می‌شود. در تسبیب، اتلاف مال یا جنایت بر نفس به طور غیر مستقیم و با زمینه سازی و تمهید مقدمات صورت می‌گیرد، مانند حفر چاه در راه، افروختن آتش و سرایت دادن آن به ملک دیگری، شهادت دروغ دادن بر ضد کسی و باز کردن در قفس حیوانات که موجب تلف شدن آنها یا وارد آمدن خسارت شود^۴ فعل یا ترک فعلی که منجر

^۱ نجیب حسینی، محمود، رابطه سببیت در حقوق کیفری، مترجم: سیدعلی عباس بنای زارع، ص ۸۳

^۲ موسوی خمینی، آیت الله روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، ص ۵۹۶

^۳ قانون مدنی ایران، ماده ۳۰۷

^۴ علامه حلی، تحریر الاحکام، جلد دوم، موسسه آل البیت، ۱۳۶۴.

به اتلاف می گردد، «سبب» و عامل آن «مَسْبَب» یا «ذوالسبب» خوانده می شود. در منابع فقهی، برای سبب معانی گوناگون ارائه کرده اند، از جمله: ایجاد ملزوم علت تلف؛ عاملی که اگر نمی بود، تلف حاصل نمی شد، هرچند علت مستقیم تلف، چیز دیگری است؛ عاملی که با تحقق آن تلف با علتی دیگر حاصل می شود و اگر نباشد، آن علت، در تلف نیست؛ عاملی که وجودش مستلزم وقوع تلف نیست، اما نبودنش مستلزم واقع نشدن تلف است. برخی فقها به تحلیل نسبت سبب با شرط پرداخته اند. ولی به نظر برخی دیگر، مفهوم سبب در اینجا با معنای فلسفی و اصولی آن متفاوت است. مراد از تسبیب، تمهید زمینه های تلف و سبب سازی آن است که مفهومی عرفی است و به شرایط و مُعَدَّات مصطلح در فلسفه بسیار شبیه است.^۱ بسیاری از فروع تسبیب از دیرباز در کتب فقهی مطرح شده است، بدون آنکه از واژه تسبیب یا سبب استفاده شده باشد. این تعابیر کم و بیش در آثار شیخ طوسی و برخی اخلاف او دیده می شود، ولی ظاهراً برای نخستین بار در فقه شیعه، محقق حلّی این اصطلاحات را به طور گسترده مطرح کرد و کسانی چون علامه حلّی آنها را پروراندند و قوّت بخشیدند. در میان علمای اهل سنت نیز شمس الاثمه سرخسی و علاءالدین کاسانی از نخستین فقیهانی بودند که این تعبیرات را به کار بردند. در منابع فقهی متأخر، مسئله تسبیب در اموال در باب غضب و تسبیب در جنایات در ابواب قصاص و دیات مطرح شده است. مقررات قانونی این دو نوع تسبیب نیز بترتیب از ماده ۳۰۷ به بعد قانون مدنی و از ماده ۳۴۰ به بعد قانون مجازات اسلامی آمده است.^۲ از نظر فقها مستند ثبوت ضمان در تسبیب، چه در باب اموال چه در جنایات، حدیث و اجماع است. واژه سبب و تعابیر مشابه آن در احادیث به کار نرفته و نجفی به استناد همین امر، تقسیم اتلاف را به «مباشری» و «تسبیبی» بی فایده یا کم فایده دانسته است، اما به نظر برخی فقها از شماری از احادیث می توان این قاعده کلی را استنباط کرد که هر کاری که معمولاً سبب تلف مال یا جان می شود، اگر از عاقلی مختار سرزند و میان آن کار و وقوع تلف، کار عمدی عاقل مختار (مباشراً) واسطه نشود، ضمان آور است؛ بنابراین،

^۱ کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی - ضمان قهری - مسئولیت مدنی، ۱۳۶۲.

^۲ محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، ص ۲۷۰.

مضمون قاعدهٔ تسبیب در احادیث وجود دارد. بعلاوه، با توجه به ویژگیهای ضمان تسبیبی، تفکیک میان مباشرت و تسبیب چندان کم فایده به نظر نمی‌رسد.^۱ در منابع فقهی و حقوقی، تسبیب از جهات گوناگون تقسیم شده است. محقق حلی تسبیب را در قتل، از لحاظ انجام شدن جنایت توسط مسبب به استقلال، یا همراهی او با عاملی دیگر، به چند دسته تقسیم کرده و برای هریک مصادیقی آورده است. برخی نیز سبب را، از نظر نحوهٔ تأثیر آن بر حصول تلف، سه نوع (حسی و شرعی و عرفی) دانسته‌اند. برخی دیگر، تسبیب را، با توجه به عامل مستقیم تلف (مباشر)، به انواعی تقسیم کرده‌اند. در برخی منابع فقهی برای ضمان آور بودن اتلاف تسبیبی شرایطی ذکر شده است، از جمله آنکه فعل مسبب در خارج از محدودهٔ ملک خود باشد، مباح شرعی و واجد مصلحت عقلایی نباشد و از نظر عرف، عدوانی تلقی شود، ولی با توجه به فروع متعدد تسبیب و نیز احادیث مورد استناد، در لزوم برخی از این شرایط مناقشه شده است. با اینهمه، فقها با الهام از تعبیر احادیث و با الغای خصوصیت از مواردی که منصوص است، ثبوت ضمان را در تسبیب منوط به تحقق عناوینی عام مانند تعدی و تفریط و اضرار دانسته و گاه بدان تصریح کرده‌اند. مراد از تعدی، کاری است که مسبب شرعاً مجاز به انجام دادن آن نیست، مانند حفر چاه در ملک دیگری یا نهادن سنگ در معبر عمومی، که اگر به تلف بینجامد، ضمان آور است، ولی حفر چاه در ملک دیگری با اجازهٔ او یا در مکان عمومی با وجود مصلحت عام، اگر به تلف بینجامد، ضمان ندارد.^۲ همچنین در بسیاری از احکام تسبیب، ثبوت ضمان، منوط به تفریط (سهل انگاری مسبب در ایفای وظایف خویش) است، به طوری که عرفاً تلف به وی منتسب شود، مانند افروختن آتش در ملک خود با احتمال سرایت آن به ملک مجاور، کوتاهی در تعمیر دیوار خراب خانه و سهل انگاری در نگهداری حیوانات؛ بنابراین، در تسبیب، بر خلاف مباشرت، ترک فعل نیز می‌تواند موجب ضمان شود. در شماری از فروع تسبیب در منابع فقهی، به استناد برخی احادیث، اضرار موجب ضمان دانسته شده است، البته آنچه به طور اتفاقی، و نه برحسب عادت، موجب ضرر شود،

^۱ علامه حلی، تحریر الاحکام، جلد دوم، ص ۴۵۸.

^۲ خمینی، امام روح الله، تحریر الوسیله، ج دوم، ص ۴۲۴.



ضمان ندارد. در منابع حقوقی نیز وقوع ضرر از عناصر تسبیب شمرده شده است. بر این اساس، ضمان ناشی از تسبیب، بر خلاف ضمان مباشری، تقریباً در تمام موارد مبتنی بر تقصیر مسبب (یا عدوان وی، به مفهوم عام آن) است، زیرا اتلاف هنگامی قابل استناد به مسبب است که وی به نحوی مرتکب تقصیر شده باشد؛ ازینرو، گاه ثبوت ضمان، مشروط به این شده است که کار مسبب از نظر عرف عادتاً منجر به تلف شود و تلف به طور تصادفی رخ نداده باشد. برخی فقها ندرت وقوع تلف در اثر فعل مسبب را دلیل عدم ثبوت ضمان نمی دانند. در معدودی از احکام تسبیب، ثبوت ضمان منوط به تقصیر مسبب نشده است، از جمله ضمان مربی شنای کودک یا جاری کننده آبی که به ملک دیگری نفوذ کند و نیز ضمان راکب چهارپا یا هدایت کننده آن به نظر برخی فقها؛ ازینرو، این نظریه در فقه مطرح شده است که صرف استناد عرفی فعل زیانبار به مسبب، ضمان را ثابت می کند و، دست کم در برخی موارد، نیازی به اثبات تقصیر مسبب نیست. به تصریح بسیاری از فقها نیز برای حصول ضمان در اثر تسبیب، وجود قصد اتلاف نفس یا مال شرط نیست.

نتیجه گیری

مسئولیت کیفری مسئولیتی است که مرتکب عمل مجرمانه، علاوه بر علم و اطلاع باید دارای اراده و سوء نیت یا قصد مجرمانه بوده و رابطه علیت بین عمل ارتكابی و نتیجه حاصل از جرم وجود داشته باشد تا بتوان عمل انجام شده را به مرتکب منتسب نمود. در خصوص ارکان مسئولیت کیفری اتفاق نظر وجود ندارد؛ اما قدر مسلم اینست که مسئولیت کیفری حداقل به دو رکن نیاز دارد؛ به یک واقعه حقوقی که موجب پیدایش مسئولیت شود و به شخص معینی که مسئولیت را تحمل کند. شرط اینکه واقعه حقوقی مسئولیت آفرین باشد، آنست که از نوع «واقعه جزایی» محسوب شود. و شرط تحمل مسئولیت در شخص اینست که اولاً واجد اهلیت جزایی باشد و ثانیاً در ارتکاب جرم و واقعه مجرمانه به صورت مباشرت یا لاقفل معاونت یا شکل دیگری از مسئولیت که در قانون پیش بینی شده باشد، دخالت ورزد. در خصوص اجتماع سبب و مباشر جرم می توان گفت که ممکن است یک جنایت، تنها به وسیله یک

مباشر ارتکاب شود یا با یک سبب تحقّق پذیرد و یا به وسیله چند نفر انجام گیرد. به طور کلی با وقوع جنایت، پنج حالت ممکن است پیش آید.

(۱) جنایتی که تنها با «یک مباشر» به وجود می‌آید؛ مانند قتل و صدمات بدنی عمدی که کیفر مرتکب، خارج از مواد استثنایی قصاص است.

(۲) جنایتی که تنها با «یک سبب» به وجود آید؛ مانند آنکه کسی چاهی (سبب) بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند (ماده ۳۱۸ ق.ا.م).

(۳) جنایتی که با سبب و مباشر محقّق گردد: در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است؛ مگر اینکه سبب، اقوی از مباشر باشد (ماده ۳۶۳ ق.ا.م).

(۴) جنایتی که با چند مباشر ارتکاب شود؛ مثل شرکت در قتل عمد (موضوع مواد ۲۱۲ تا ۲۱۵ ق.ا.م).

(۵) جنایتی که با چند سبب تحقّق می‌پذیرد.

مطابق ماده ۳۳۲ قانون مدنی هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال شود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد و مطابق ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی در صورت اجتماع سبب و مباشر در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد. در شرح مواد فوق می‌توان نتیجه گرفت که هرگاه شخص مباشر تلف شود رابطه علیت بین کار او و تلف و ارتباط ضعیفی را که وقوع تلف با سبب دارد قطع می‌کند چندان که در نظر عرف دیگر نسبتی میان سبب و تلف باقی نمی‌ماند. مثلاً اگر کسی چاهی بکند و دیگری کسی را در چاه اندازد عرف کسی را ضامن می‌داند که مقتول را در چاه انداخته است. رابطه میان سبب و تلف رابطه ای مجازی و ضعیف است و تنها در جایی ضمان آور است که فعل اختیاری میان سبب و تلف واسطه نشود. در فرض ما رابطه مباشر و تلف قوی تر از سبب و تلف است و به همین جهت تنها مباشر مسئول است. بنابر این اگر چه رابطه سببیت میان سبب و تلف قطع نگردیده است اما چون عرفاً اتلاف مستند به فعل مباشر است لذا مسئولیت با مباشر است.

منابع و مأخذ

الف) کتب

۱. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.
۲. آنریکوی، جامعه شناسی کیفری، گنج دانش، ۱۳۸۱.
۳. باریکلو، علیرضا؛ مسئولیت مدنی؛ نشر میزان؛ چاپ دوم؛ ۱۳۸۷.
۴. پیناتل، حقوق جزا و جرم شناسی، جلد سوم، نشر میزان، ۱۳۸۷.
۵. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر ژوبین، ۱۳۸۸.
۶. سعید، علیرضا (دادیار داسرای امور اقتصادی تهران)، بررسی تطبیقی معاونت در جرم در حقوق ایران، فرانسه و لبنان، سال ۱۳۸۹.
۷. سیاح، احمد، فرهنگ جامع عربی، فارسی، جلد اول ذیل کلمه جرم، مرکز نشر، ۱۳۸۷.
۸. فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم، کتاب طه، ۱۳۸۳.
۹. القهوجی، علی عبدالقادر، قانون العقوبات - القسم الخاص، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۱ میلادی.
۱۰. عبدالغریب، محمد، شرح قانون العقوبات - القسم العالم، الجزء الاول.
۱۱. عبدالقادر عوده، التشريع الجنایی، ج ۱، الطبعة ۱ لسادسه، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۸۵.
۱۲. علامه حلی، تحریر الاحکام، جلد دوم، مؤسسه آل البيت، ۱۳۶۴.
۱۳. میرسعیدی، سید منصور، مسئولیت کیفری قلمرو و ارکان، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
۱۴. نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع، تهران، چاپ چهارم، جلد چهل و سوم، ۱۳۷۴.
۱۵. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ اول، کانون وکلای دادگستری، تهران، ۱۳۶۹.

ب) مقالات

۱۶. اردبیلی، محمدعلی مسوولیت ناشی از فعل غیر؛ مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی؛ شماره ۱۶ و ۱۷؛ پاییز ۷۴ تا بهار ۱۳۷۵
۱۷. زیمرمن، مایکل جی، مسوولیت، ترجمه محمدتقی اسلامی، فلسفه اخلاق، مجموعه مقالات برگرفته از دایره المعارف فلسفه اخلاق.
۱۸. میشل لورراساف، «مسوولیت مدنی»، ترجمه محمد اشتری، انتشارات مؤسسه مطالعات حقوق اسلامی و تطبیقی.
۱۹. سعید، علیرضا (دادیار دادرسی امور اقتصادی تهران)، بررسی تطبیقی معاونت در جرم در حقوق ایران، فرانسه و لبنان، سال ۱۳۸۹.

ج) پایان نامه ها

۲۰. زینالی نسرانی، حسین، زمان گذشت منجی علیه در مسوولیت کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۶.
۲۱. کشاورز چافجیری، پژمان، مسوولیت کیفری ناشی از فعل دیگری در حقوق کیفری ایران دانشکده ی حقوق و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

